

# ۳۰۱ - سروری از برای عبدالبهاء نمانده

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ۳۰۱ - سروری از برای عبدالبهاء نمانده

سروری از برای عبدالبهاء نمانده مگر نفحات گلشن قلوب احبّاء. این است روح و ریحان من این است سرور قلب و جان من که نفوسی مبعوث گردند که جز بهاء ندانند و بغیر از محبتش وجد و طربی ننمایند از صهباء عنایتش جام سرشار باشند و از فضل و موهبتش سراجهای پر انوار. ای یاران حقیقی الحمد لله صیت امر الله خاور و باختر گرفته و آوازه ملکوت ابهی جهانگیر گشته از هر کرانه‌ای نعره یا بهاء‌الابهی بلند است و از هر اقلیمی فریاد یا علیّ الاعلی مرتفع.

الحمد لله در نزد جمیع ملل و امم ثابت و محقق که اهل بها اهل سلام و صلاحند و بری از جنگ و سلاح خیر خواه عالمیانند و محبّ جمیع آدمیان در سبیل آسایش و راحت کلّ خلق جانفشانند و در راه حقّ منفق دل و جان. حال وقت آنست که یاران چون دریا بجوش آیند و چون نهنگ لا بخروش تا فیوضات جمال مبارک در عروق و اعصاب جمیع بشر سرایت نماید. و عالم انسانی جهان رحمانی گردد و روی زمین جنت نعیم شود نزاع و جدال بکلی برافتد و وحدت حال در بین جمیع امم جلوه نماید. ای یاران الهی الحمد لله اکلیل موهبت اسم اعظم بر سر دارید و خلعت و تشریف ربّ قدم در بر، تأییدات متتابع است و توفیقات متوالی، شمس حقیقت از جهات پنهان در نهایت اشراق و فیض بهار الهی در جمیع آفاق منتشر و نسیم عنایت در هبوب و بجر موهبت پر موج قدر این مواهب الهیه بدانید و جانفشانی نمائید. امیدم چنان است که در عبودیت آستان جمال مبارک شریک و سهیم عبدالبهاء گردید هذا غایة المنی و الموهبة الكبرى و علیکم البهاء الابهی.



ORIGINAL



AUDIO